

12.

Ahwâl Pursi احوال پرسی

(ناصر به مدرسه نیامد. دوست او حامد فکر مند شد. بعد از مدرسه بخانه ناصر رفت. ناصر در خانه بود. حامد او را سلام کرد.)

حامد: السلام عليكَ

ناصر: و عليكم السلام ، بيا ، بنشين. (حامد نزدِ او بر صندلی می نشیند)

حامد: برا در ناصر! چرا به مدرسه نیامدی؟

ناصر: دیروز من ناخوش بودم.

حامد: چه شده؟

ناصر: سرما خوردم. دست و پای من درد می کند.

حامد: برای علاج کجا رفتی؟

ناصر: به پزشکی رفتم و دوا آوردم.

حامد: آیا دوا خوردی؟

ناصر: بلی ، خوردم.

حامد: حالا چطور هستی؟

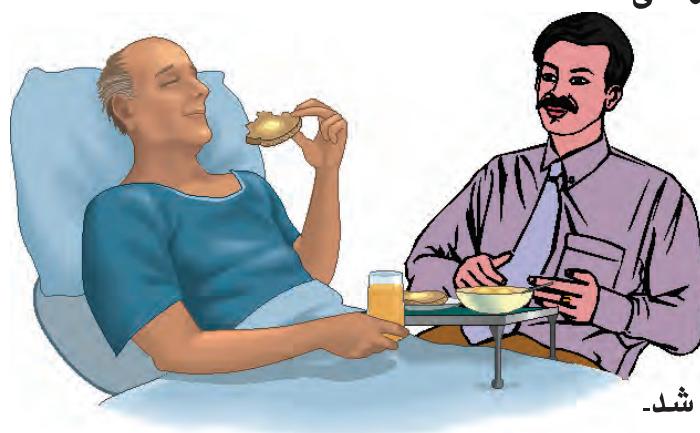
ناصر: حالا سرماکم است و درد نیز کم شد.

حامد: فردا مدرسه می آئی؟

ناصر: انشاء الله ، می آیم.

حامد: خوب است. امید دارم غافل نباشی. خدا حافظ!

ناصر: خدا حافظ، متشرّکم.



Sick	-	ناخوش	To suffer from cold	-	سرما خوردن
------	---	-------	---------------------	---	------------

I am thankful	-	متشرّکم	A physician	-	پزشکی
---------------	---	---------	-------------	---	-------

پرسش

Answer the following questions:

مندرجہ ذیل سوالوں کے جواب دیجیے:

۱. ناصر چرا به مدرسه نیامد؟

۲. حامد به خانہ ناصر چرا رفت؟

۳. ناصر چه مرض داشت؟

۴. برای علاج ناصر کجا رفت؟

۵. در مرض سرما خوردگی ، حالت ناصر چطور بود؟